

بررسی تطبیقی نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی نواحی کوهستانی و دشتی (مورد مطالعه: دهستان‌های کارده و میان ولایت شهرستان مشهد)

مهدی جوانشیری^۱، خدیجه بوزرجمهری^{۲*}، ام‌البنین هراتی^۳ و حمیده محمودی^۴

تاریخ دریافت: ۱۹ مهر ۱۳۹۵ تاریخ پذیرش: ۱۲ تیر ۱۳۹۶

چکیده

اعتبارات خرد با هدف ارائه خدمات مالی به گروه‌های کم‌درآمد در کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر مطرح شده است. این اعتبارات با اعطای وام به روستاییان به‌ویژه آن‌هایی که در امور تولیدی فعالیت دارند این امکان را می‌دهد که به سبب فراهم بودن نقدینگی بتوانند نیازهای مالی‌شان را برای انجام عملیات تولیدی و تهیه نهاده‌های کشاورزی تأمین نمایند. این تحقیق نیز با هدف بررسی نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی، با تأکید بر تأثیر عوامل جغرافیایی در جذب اعتبارات مذکور در دو ناحیه کوهستانی (کارده) و دشتی (میان ولایت) شهرستان مشهد، انجام گرفته است و بر اساس هدف، کاربردی- توسعه‌ای و به‌لحاظ روش‌شناسی، از نوع توصیفی- تحلیلی است. با توجه به دو جامعه آماری مورد مطالعه، از کل خانوارهایی که در بین سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰ حداقل یک‌بار وام دریافت کرده‌اند، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۷ خانوار روستایی به‌عنوان حجم نمونه برآورد گردید و سپس به نسبت خانوارها در هر ناحیه تقسیم شد. نمونه‌گیری این جامعه آماری با روش طبقه‌ای و تصادفی صورت گرفته است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از منابع اسنادی و عملیات پیمایشی (پرسشنامه) در بین خانوارهایی که اعتبارات دریافت کرده‌اند، جمع‌آوری شده است. و از آزمون‌های آماری ویلکاکسون (برای تحلیل تفاوت دوره قبل و بعد)، فریدمن و کای‌دو، T تک‌نمونه‌ای و هم‌بستگی برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که میزان اثربخشی اعتبارات در بین ساکنین روستایی نواحی کوهستانی و دشتی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ولی از نظر مشکلات و موانع دریافت وام و درجه رضایت‌مندی، تفاوت معنی‌داری بین این دو ناحیه وجود دارد و میزان رضایت‌مندی در ناحیه دشتی بیشتر است. همچنین نتایج آزمون نا پارامتری ویلکاکسون برای سنجش میزان تفاوت موجود در دو دوره زمانی قبل و بعد از استفاده از اعتبارات خرد روستایی در هر دو جامعه نمونه، نشان می‌دهد که پرداخت اعتبارات خرد منجر به ایجاد تغییرات قابل توجهی در کلیه محورها شده است و این تغییرات از دیدگاه استفاده‌کنندگان کاملاً معنی‌دار است. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای نیز نشان‌دهنده اثرات مناسب اعتبارات بر توسعه اقتصادی مناطق روستایی مورد مطالعه می‌باشد. نتایج حاصله از تحلیل نا پارامتری هم‌بستگی (اسپیرمن) میان مؤلفه‌های مورد بررسی نیز نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین مؤلفه‌های تأثیرگذار توسعه اقتصادی نقاط روستایی است. به‌عبارت‌دیگر با افزایش مقادیر هر یک از مؤلفه‌ها، سایر ابعاد نیز افزایش معنی‌داری را نشان می‌دهند.

کلمات کلیدی: اعتبارات خرد، توسعه روستایی، توسعه کشاورزی

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

۴- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

*- نویسنده مسئول: (azar1334@gmail.com)

مقدمه

نظر به این که فعالیت عمده مردم در نواحی روستایی کشاورزی است، لذا توسعه روستایی همواره با توسعه کشاورزی عجین شده است. بخش کشاورزی کشور به لحاظ امکان برخورداری از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آب قابل استحصال، ۱۰۲/۴ میلیون هکتار جنگل و مراتع و ۳۷ میلیون هکتار اراضی قابل کشت از مزیت نسبی قابل توجهی برخوردار است که می‌تواند در ایجاد ارزش افزوده در سطح ملی نقش بسزایی داشته باشد. در این میان از مجموع اراضی قابل کشت کشور، حدود ۱۷/۶ میلیون هکتار مستقیماً توسط ۴/۴ میلیون بهره‌بردار در چرخه تولید قرار می‌گیرد که ۹۴ درصد آنان ساکن نقاط روستایی بوده و مابقی در نقاط شهری سکونت دارند (نظری و عادل، ۱۳۹۰). بخش کشاورزی حدود ۲۰ درصد از اشتغال و ۱۴/۱ درصد ارزش تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین ۸۵ درصد از مواد غذایی مورد نیاز کشور و ۹۰ درصد مواد اولیه صنایع غذایی را تأمین نموده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). مجموع این فعالیت‌ها عموماً در بستری به نام روستا یا جامعه روستایی انجام می‌گیرد، جامعه‌ای که بر مبنای سرشماری ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۸ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده است. از این رو توسعه و تحول در جامعه روستایی و کشاورزی لازم و ملزوم یکدیگر بوده و برنامه‌ریزی برای یکی فارغ از دیگری ممکن نخواهد بود.

با این وجود یکی از مسائلی که جامعه روستایی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، فقر و تنگدستی است که خود مانعی برای توسعه سکونتگاه‌های روستایی کشور تلقی می‌شود. مسئله فقر به‌ویژه در جامعه روستایی از جمله موضوعاتی است که در دو دهه اخیر در سطح بین‌المللی به شدت مورد توجه قرار گرفته است (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۲). از آنجایی که اعطای اعتبارات به تولیدکنندگان کشاورزی (روستاییان) این امکان را می‌دهد که نقدینگی یا سرمایه در گردش مورد نیازشان را برای دوره‌های زمان تولید و برای تهیه نهاده‌های کشاورزی تأمین نمایند، بنابراین این شیوه تأمین مالی برای کشورهایی که در آن‌ها بخش کشاورزی یک بخش مهم اقتصادی است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به سهم بالای کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی و اشتغال، پایین بودن نسبت سرمایه به تولید و وابستگی اندک آن به ارز خارجی، تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی در این بخش همواره مورد توجه صاحب‌نظران و متصدیان اقتصادی کشور بوده است (عرب مازار و جمشیدی، ۱۳۸۵). از این رو در مباحث توسعه روستایی و کشاورزی یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل مالی کشاورزان، اعطای اعتبارات کوچک‌مقیاس است که نقش مهمی در تمرکز و جهت‌دهی به سرمایه‌های اندک روستاییان و ایجاد روحیه مشارکت و کار گروهی دارد (اسکاپ^۱، ۲۰۰۸)؛ و در سال‌های اخیر در سرلوحه برنامه‌های دولت قرار گرفته است. به‌علاوه به‌عنوان یک روش مداخله مستقیم در توسعه، توجه اغلب نخبه‌های فکری توسعه را نیز به خود جلب کرده است. این شیوه با گسترش بازارهای جدید و ارتقای فرهنگ مدیریتی، زمینه مناسبی برای حکمرانی دولت در توسعه کشاورزی فراهم می‌سازد (روت^۲، ۱۹۹۷). این امر به‌ویژه پس از این که تصمیم‌گیران و کنشگران برنامه‌ریزی در بخش کشاورزی از نتایج منفی برنامه‌های اعتباری نظارت‌شده مستقیم آگاهی یافتند، بیشتر ملموس گردید و لذا شیوه پرداخت اعتبارات به کشاورزان از شکل دولتی کلان به اعتبارات خرد تغییر یافت (ساندرس و

1- Escap

2- Roht

کارنت^۱، ۲۰۰۳ و فائو^۲، ۱۹۹۸ الف). ویژگی عمده اعتبارات خرد، تأمین شدن سریع و آسان، نیاز نداشتن به وثیقه سنگین و سهم آورده، بی‌توجهی به سودآوری در ارائه خدمات اعتباری است. دسترسی به اعتبارات خرد در توسعه کشاورزی در مناطق روستایی، شرط ضروری است نه کافی؛ لذا سایر شرایط نیز مانند تهیه زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی، اطلاعات، عوامل اجتماعی و فرهنگی در این امر دخیل است (روت^۳، ۱۹۹۷).

دهستان‌های کارده و میان‌ولایت شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی یکی از نواحی روستایی کشور است که سهم بخش کشاورزی در اقتصاد آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. بهره‌برداران کشاورز این ناحیه، به علت سطح درآمد نسبتاً پایین و سازوکاری بوروکراتیک حاکم بر نظام بانکی کشور در تأمین منابع مالی برای توسعه فعالیت کشاورزی، انگیزه استفاده از اعتبارات خرد را در آن‌ها برانگیخته است. به‌طوری‌که، در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰، ۳۴۰ فقره اعتبار به کشاورزان این منطقه تعلق گرفت. تقریباً در حدود ۱/۵ میلیارد تومان، اعتبار خرد در این فضا تزریق شد (جهاد کشاورزی، ۱۳۹۴). این اقدام، اثراتی را برای روستاییان در بخش کشاورزی و متعاقب آن در توسعه روستایی نواحی مورد مطالعه داشته است. اما با توجه تفاوت‌هایی که از نظر محیط جغرافیایی (کوهستانی و دشتی) و عدم توزیع برابر امکانات و منابع تولیدی در نواحی فوق وجود دارد، میزان اثربخشی اعتبارات در بین اقشار مختلف روستایی نیز متفاوت بوده است، لذا جهت بررسی این موضوع از هر ناحیه یک دهستان به‌عنوان نمونه انتخاب گردید تا با مقایسه تطبیقی چگونگی تأثیرگذاری تفاوت‌های مکانی- فضایی در مکانیزم توزیع اعتبارات خرد و نقش آن بر توسعه روستاهای منطقه مورد بررسی و تحلیل قرارگیرد، بنابراین پژوهش حاضر به‌دنبال یافتن پاسخ به سؤالات زیر انجام گرفته است: با توجه به توزیع نابرابر امکانات و منابع تولیدی در نواحی دشتی و کوهستانی، درجه فقر در بین اقشار مختلف روستایی چگونه است؟ میزان اثربخشی اعتبارات خرد در کاهش نابرابری‌های اقشار مختلف روستایی در نواحی دشتی و کوهستانی تا چه حد مؤثر بوده است؟ روستاییان برای تأمین اعتبارات خرد در ناحیه دشتی و کوهستانی با چه مشکلات و چالش‌هایی مواجه بوده‌اند و میزان رضایت‌مندی آنان از این طرح چقدر بوده است؟

توسعه روستایی به مفهوم کلی آن، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و کنشگران متعدد افراد، ارگان‌ها و گروه‌ها است که در تعامل با همدیگر نهایتاً منجر به پیشرفت در نواحی روستایی می‌شوند (عمادی، ۱۳۸۵). با بررسی کلی تعاریف توسعه روستایی از دیدگاه‌های مختلف می‌توان به نکات کلیدی زیر (ویژگی‌های توسعه روستایی) اشاره کرد:

۱. جامعیت فرایند توسعه روستایی (اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی) (آتفیلد و ویلکینز^۴، ۱۹۹۲).
۲. مردم‌گرایی، مشارکتی بودن و درون‌زایی آن (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵؛ سورلین و همکاران^۵، ۱۹۹۷؛ یومانا^۶، ۲۰۰۲).

1 - Saunders and Cornett

2 - Fao

3 - Roth

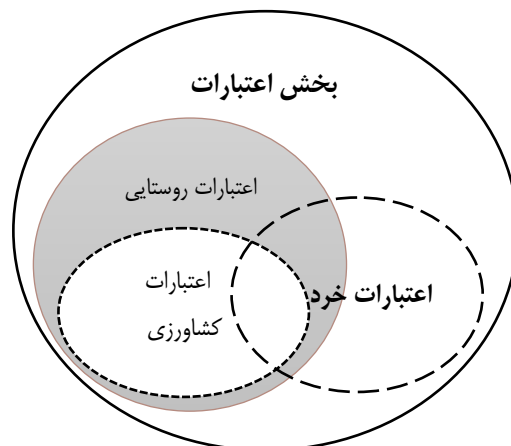
4- Attfield and Wilkins

5- Sörlin et al

6- Umana

۳. آزادی انتخاب و برابری در دسترسی به فرصت‌ها (کرنیا^۱، ۱۹۹۱؛ دویی^۲، ۲۰۰۵؛ اکسنین و اکسنین^۳، ۱۹۹۷)
۴. هدف نهایی آن رساندن انسان به مرحله رضایت از زندگی خویش است (اسکاپ، ۱۹۹۶).
۵. توانمندسازی مردم^۴، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی‌ها (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴)
۶. ایجاد تغییرات آرام در دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، شیوه مصرف و غیره در یک شیوه مدیریت‌شده و دیوان سالار (بلازس و پادمانیسکی^۵، ۲۰۰۱؛ اسکاپ، ۲۰۰۰).
۷. ایجاد ارتباط و پیوند کارآمد درون گروهی بین کنش‌گران توسعه و مردم محلی (بانک جهانی^۶، ۲۰۰۱).
۸. عدم به‌مخاطره انداختن^۷ محیط زیست (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵).
- افزون براین، در بیانیه هزاره سازمان ملل، سیاست‌های عمومی توسعه روستایی برای نیل به اهدافی مانند کاهش فقر، ارتقای عظمت انسانی، برابری و عدالت، پایداری محیطی و غیره در راستای رهایی فقرا از تله محرومیت^۸ به شرح زیر بیان شده است (فودوکاپار و همکاران^۹، ۲۰۰۳):
- ۱- افزایش سطح کارایی و برابری با سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و غیره.
- ۲- تسهیل دسترسی فقرا به زمین، اعتبار، مهارت‌ها و غیره.
- ۳- افزایش بهره‌وری و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های کشاورزی خرد از طریق اعتبارات خرد و غیره.
- بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در توسعه روستایی نیز همانند توسعه کشاورزی، حرکت از مداخله مستقیم به مداخله غیرمستقیم، به‌عنوان یک سیاست، در همه امور از جمله اعتبارات خرد پذیرفته شده است.
- داگلاس^{۱۰} (۲۰۰۳) اعتبارات خرد را جزئی از چرخه تأمین مالی توسعه روستایی می‌داند که تا حدودی با اعتبارات روستایی و اعتبارات کشاورزی دارای اشتراکاتی است (شکل ۱) و از طریق نهادهای مالی و اعتباری از قبیل بانک‌ها، اتحادیه‌های اعتباری محلی، تعاونی‌ها و غیره تأمین و پرداخت می‌شود.

1- Cernea
 2- Dobie
 3- Axinn and Axinn
 4- empowerment
 5- Balazs and Podmaniczky
 6- World Bank
 7- compromising
 8- Poverty trap
 9- Fukuda et al
 10- Douglas



شکل ۱- جایگاه اعتبارات خرد در نظام اعتبارات

با عنایت به ارتباط توسعه روستایی با توسعه کشاورزی و نقش اعتبارات خرد در تحقق این دو، ضرورت توجه به اعتبارات خرد در فرایند توسعه روستایی و کشاورزی بیش از پیش روشن می‌شود (خاندکر^۱، ۱۹۹۸؛ سیبل^۲، ۲۰۰۱).

از دیدگاه گرامین بانک^۳، هدف از اعطای اعتبارات خرد، بهبود زندگی روستاییان از طریق فراهم ساختن دسترسی آن‌ها به اعتبارات، پس‌انداز، تسهیلات رفاهی و برنامه‌های اجتماعی دیگر است (روبینسون^۴، ۲۰۰۱) در کنار این طرح‌های روستایی، ایفاد^۵ (IFAD) انگیزه خود را از اعطای اعتبارات موارد زیر می‌داند (ایفاد، ۲۰۰۳):

الف) ایجاد تحرک اجتماعی، بالابردن آگاهی‌ها، آموزش و قدرت‌دهی به فقرا،

ب) افزایش اعتماد به نفس فقرا،

ج) فراهم ساختن زمینه کار گروهی برای ایجاد دارایی و زیرساخت‌های توسعه کشاورزی در راستای تولید محلی. سرانجام باید گفت که برنامه توسعه سازمان ملل هدف از اعطای اعتبارات خرد را ایجاد فرصت‌های درآمدزا برای زنان، سرمایه‌گذاری در ترویج فعالیت‌های کشاورزی و کمک به بازپرداخت تعهدات کشاورزان می‌داند (یوان.دی. پی^۶، ۱۹۹۸). اسکاپ نیز هدف از اعطای اعتبار به کشاورزان و روستاییان را فقرزدایی، ترویج و آموزش کشاورزی، اشتغال‌زایی و درآمدزایی، توسعه اجتماعی، افزایش خوداتکایی و حفظ عزت‌نفس آنان می‌داند (اسکاپ، ۱۹۹۴).

1- Khandker

2- Seibel

3- Gramin Bank

4- Robinson

5- International Fund for Agricultural Development (IFAD)

6- UNDP: United Nations Development Program.

کاوانامور^۱، مؤسسات اعتباردهنده در کشورهای درحال توسعه را به دودسته زیر تقسیم می‌کند: مؤسسات غیر رسمی و مؤسسات رسمی (گاتی^۲، ۲۰۰۰).

یکی از مهم‌ترین خصوصیات بازار مالی روستایی در ایران، اندک بودن پس‌انداز روستاییان است که به دلیل سطح پایین درآمدهای آنان می‌باشد. به همین دلیل لازم است اعتبارات از منابع دیگر و معمولاً توسط دولت به این بخش انتقال یابد (نظری و عادل، ۱۳۹۰). چارچوب کلی بازار مالی روستایی ایران و خصوصاً در منطقه مورد مطالعه (شهرستان مشهد) که نیازهای مالی جمعیت روستایی را تأمین می‌کند به شرح زیر است:

جدول ۱- منابع تأمین وام روستاییان در منطقه مورد مطالعه

| بنگاه‌های رسمی | بنگاه‌های غیررسمی |
|--|---|
| بانک کشاورزی، بانک‌های تجاری، کمیته امداد، صندوق‌های | رباخواران، سلف‌خران، واسطه عمده‌فروشی، مغازه‌داران، خویشاوندان، |
| قرض‌الحسنه | همسایگان و دوستان |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

همان‌طور که در جدول مشهود است منابع مالی خانوارهای روستایی متنوع است به طوری که بر اساس نتایج تحقیق از جامعه نمونه، مشخص شد که ۷۵ درصد تسهیلات پرداختی به خانوارهای روستایی از طریق مؤسسات رسمی انجام می‌گیرد که سهم بانک کشاورزی ۵۳ درصد است. تعاونی‌های روستایی از لحاظ تعداد وام‌های پرداختی در رده بالایی قرار دارند و سهم آن‌ها در جمع کل ارزش وام‌های پرداختی فراوان نیست. سهم صندوق‌های قرض‌الحسنه فقط ۲/۱ درصد کل وام‌ها را تشکیل می‌دهد. در بازار غیررسمی صندوق‌ها بزرگ‌ترین وام‌دهنده هستند. سلف‌خران حدود ۲/۸ درصد کل نیازهای وامی خانوارهای روستایی نمونه را تأمین کرده است.

در خصوص نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی، مطالعات زیادی در ایران و جهان انجام شده است. در این زمینه برخی مطالعات گویای آثار و پیامدهای مثبت اعتبارات بر توسعه کشاورزی است که به برخی مطالعات انجام شده به شرح زیر اشاره می‌شود:

دامینیک جنتل و سروت^۳ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «اعتبارات خرد: مبالغ کم، اثرات زیاد»، فن جیستوشن و متاکناوات^۴ (۲۰۰۳) در بررسی اثرات اعتبارات خرد بر رشد کشاورزی و فقر روستایی را در مناطق روستایی تایلند و مونتگومری و ویز (۲۰۰۵) با بررسی تجربیات کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین را در ارتباط با اعتبارات خرد و فقر، اعتبارات مالی خرد را به عنوان عاملی در مبارزه برای کاهش فقر، آشکار کردن فرصت‌های اقتصادی، روابط جدید شهر و روستا و نهایتاً اهرمی برای ایجاد تغییر در توسعه محلی دانستند. اما اسپرینر و کلومبت^۵ (۲۰۰۱) در بررسی وضعیت مؤسسات

1- Kavanamur

2 - Ghate

3 - Dominique and Servet

4 - Fan et al

5- Schreiner and Colombet

مالی خرد و مقررات و پرداخت وام‌های غیر تضمینی برای تولیدکنندگان کوچک در آرژانتین به مشکلات دریافت اعتبارات خرد با گرفتن وثیقه و افزایش هزینه‌های وام اشاره کرده و نتیجه این عامل را، دسترسی نابرابر به اعتبارات، برای دریافت‌کنندگان عنوان کرده است.

هاشمی تبار و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی ارتباط وام با کارایی فنی زارعان در استان سیستان و بلوچستان به اثرات مثبت اعتبارات اشاره کرده‌اند و در نتیجه میانگین ویژگی‌هایی همچون سطح زیرکشت، داشتن پس‌انداز، هزینه‌های متغیر و درآمد جاری زارعی که وام دریافت کرده‌اند را با اختلاف معنی‌داری بیش از زارعی که وام نگرفته‌اند، عنوان کرده‌اند. افتخاری و همکاران (۱۳۸۵) نیز با ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی در شهرستان خدابنده به نتیجه‌ای مشابه دست‌یافته و اعتبارات روستایی را یکی از عوامل مهم در توسعه روستایی معرفی کرده‌اند.

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش نابرابری‌های درآمدی، و طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶) در بررسی پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصاد زنان سرپرست خانوار، اعتبارات خرد را راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به‌ویژه فعالیت‌های خود اشتغالی جهت مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم‌درآمد می‌دانند.

بهزادی (۱۳۸۸) در ارزیابی تأثیر اعتبارات خرد بانکی بر توسعه کشاورزی در دهستان محمدیه اردکان استان یزد، به این نتیجه رسید که ارائه اعتبارات به کشاورزان همواره به عنوان یک عامل مهم و مداخله‌گر در توسعه بخش کشاورزی مطرح بوده و ماهیت این اعتبارات پیوسته مورد توجه سیاست‌گذاران برای توسعه بوده است.

نتایج پژوهش نظری و عادل (۱۳۹۰) با عنوان «مقایسه میزان اثربخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آزادشهر»، حاکی از آن است که به تبع وضعیت بهتر درآمدی و بالا بودن متوسط وام دریافتی قشر ثروتمند، اثرگذاری تسهیلات از جنبه‌های مختلف (ایجاد شغل، نسبت وام به کل سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد) نسبت به قشر پایین (ضعیف) بیشتر بوده است.

با مقایسه مطالعات خارجی و داخلی می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات خارجی نگاهی عمیق‌تر و جامع‌تر نسبت به اعتبارات پرداختی داشتند. از جمله اعتبارات بر ایجاد فناوری جدید، وثیقه بانکی و دسترسی نابرابر اقشار مختلف به وام، اثرات تعاونی‌های اعتباری بر درآمد کشاورزان و گرایش به سمت مؤسسات دیگر در جهت بهینه‌کردن کشاورزی، نرخ-های بالای بهره و ناتوانی کشاورزان خرده‌پا در دستیابی به وام، مدت طولانی دریافت وام و گرایش کم در تقاضا برای وام، پایین بودن قیمت فروش محصولات و مشکلات پرداخت وام، اعطای وام‌های گروهی و مزایای آن اشاره کرده‌اند. در حالی که مطالعات داخلی بیشتر جنبه موردی داشته و اثرات کلی اعتبارات خرد را بررسی کردند، هم-چنین کارایی فنی زارعی که وام دریافت کرده‌اند نسبت به کشاورزانی که وام دریافت نکرده‌اند و تأثیر اعتبارات خرد در کاهش فقر و ایجاد اشتغال اشاره دارند. با نگاهی به مطالعات انجام‌شده می‌توان دریافت که هر یک از آن‌ها اثرات اعتبارات خرد را در زمینه‌های خاصی از زیربخش کشاورزی مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر به نقش عوامل جغرافیایی و تفاوت‌های مکانی فضایی توجه کرده‌اند که توجه به این نکته باعث تمایز پژوهش حاضر با بقیه پژوهش‌های قبلی

شده است.

در ادامه با توجه به پیوند ارگانیک توسعه روستایی با توسعه کشاورزی و پیوند این دو با نهاد اعتبارات خرد، نخست به تعاریف مفاهیم فوق و سپس به ارتباط بین آنها پرداخته می‌شود.

مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه با مساحتی در حدود ۱۰۶۰ کیلومتر مربع در دامنه‌های جنوبی رشته ارتفاعات هزار مسجد در شمال و شمال شرق شهرستان مشهد واقع شده است و از نظر سیاسی جزء دهستان‌های بخش مرکزی این شهرستان محسوب می‌شود (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۴).

پژوهش حاضر از لحاظ روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی مبتنی بر مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه و به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی است. به طوری که به منظور تبیین نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی در سطح سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه با عنایت به تعاریف و مفاهیم مندرج در مبانی نظری، اقدام به تهیه و تدوین پرسشنامه مشتمل بر ۵۴ سؤال طراحی بر اساس گویه‌های جدول ۲ مطابق با طیف لیکرت گردید، و با روستاییانی که وام دریافت کرده‌اند مصاحبه شد و برای توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار Spss و Excel استفاده شده است. آمار توصیفی به منظور طبقه‌بندی اطلاعات به صورت جداول تک‌بعدی و چندبعدی و نمایش به‌وسیله نمودار برای استدلال از توزیع فراوانی، میانگین و نسبت‌ها، ارائه شده است؛ و آمار استنباطی جهت آزمون فرضیات پژوهش (از آزمون‌های t مستقل، مان-وایتنی و کروسگال والیس) و روش‌های آماری مبتنی بر تحلیل قبل و بعد (ویلکاکسون) و نیز آزمون همگونی کای دو، T تک‌نمونه‌ای و هم‌بستگی استفاده گردیده است.

ابزار مورد مطالعه در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که برای سنجش میزان روایی و پایایی آن از ۳۵ پرسشنامه به‌عنوان یک مطالعه مقدماتی در ۴ روستای خارج از منطقه مورد مطالعه استفاده شد و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، برخی از گویه‌هایی که اشکال داشتند حذف و چند گویه دیگر نیز جایگزین شدند. جهت روایی پرسشنامه از نظر اساتید و متخصصین در این زمینه استفاده شده است. در جدول زیر متغیرها و شاخص‌های تحقیق مشخص شده است.

جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای روستایی ساکن در دهستان‌های کارده و میان‌ولایت بخش مرکزی شهرستان مشهد است. از تعداد ۷۹۷۹ خانوار ساکن در ۵۵ روستای مورد مطالعه، ۳۴۰ مورد از اعتبارات خرد در دوره زمانی ۹۴-۱۳۹۰ استفاده کرده‌اند که با استفاده از فرمول اصلاح شده کوکران تعداد ۲۰۸ خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب شده است و سپس نسبت خانوار و تعداد افراد وام‌گیرنده در هر روستا به تفکیک دو ناحیه محاسبه و پرسشنامه تکمیل شد. لازم به ذکر است که در روستاهایی که تعداد وام‌گیرندگان کمتر از ۵ نفر بودند، با تمام افراد وام‌گیرنده مصاحبه انجام شده است. برای تکمیل پرسشنامه با توجه به اطلاعات ارائه شده از سوی مسئولین روستایی با در نظر گرفتن معیارهایی از قبیل درآمد، شغل، سال استفاده، و نظایر آن در دوره زمانی فوق از روش تصادفی- طبقه‌ای استفاده شده است. جدول ۲ تعداد خانوارهای نمونه را به تفکیک روستاها و دهستان نشان می‌دهد.

جدول ۲- نتایج بررسی روایی و پایایی شاخص‌ها و متغیر تحقیق

| متغیرها | شاخص‌ها |
|--|--|
| مقایسه منابع، امکانات و تعیین درجه فقر | وضع فعالیت و درآمد در بخش زراعت و باغداری، وضع فعالیت و درآمد در بخش دامپروری، وضعیت مکانیزاسیون، وضعیت فعالیت بخش‌های خدمات و صنعت، وضعیت مسکن، مقدار هزینه و پس‌انداز سالانه |
| اثر بخشی اعتبارات در بین طبقات مختلف اجتماعی | مرتفع کردن نیازها، افزایش درآمد، افزایش راندمان تولید، تأثیرگذاری وام در عدم فروش اموال، نسبت سرمایه‌گذاری جدید، ایجاد شغل |
| مشکلات، چالش‌ها و میزان رضایت‌مندی | عدم اطلاع‌رسانی مسئولین محلی و ستادی، موانع اداری، موانع بانکی، عدم نظارت دولت، اختیاری بودن وام، ناچیز بودن وام، سود بیشتر در زمینه جدید، رضایت‌مندی از عملکرد کارشناسان ذی‌ربط اجرایی، رضایت‌مندی از عملکرد کارکنان بانک، رضایت‌مندی از نحوه دریافت و بازپرداخت وام، رضایت‌مندی از قوانین و مقررات اداری وام |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

نتایج و بحث

شناخت ویژگی‌های عمومی جامعه آماری نمونه

بخش مرکزی شهرستان مشهد از نظر ناهمواری به دو بخش دشتی در غرب و کوهستانی در شمال و شرق تقسیم می‌شود. از مجموع ۳۴ روستای نمونه، تعداد ۱۹ روستا از دهستان میان ولایت در ناحیه دشتی و ۱۵ روستا از دهستان کارده در ناحیه کوهستانی قرار دارد.

برای تبیین روابط فضایی پدیده‌ها، علاوه بر موقعیت جغرافیایی آبادی‌ها، فاصله آن‌ها نیز از مرکز شهرستان مورد توجه قرار گرفته است، زیرا دریافت وام مستلزم مراجعات متعدد به ادارات مربوطه است که گاهی طولانی بودن مسافت منجر به انصراف از پیگیری متقاضیان می‌شود؛ در بررسی انجام شده، تمام ۱۵ روستای نمونه ناحیه کوهستانی در فاصله‌ای بیشتر از ۶۰ کیلومتری از مرکز شهرستان (مشهد) قرار دارند، در حالی تمام روستاهای نمونه ناحیه دشتی در فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتری این مرکز واقع شده‌اند.

هم‌چنین در بررسی ترکیب جنسی پاسخ‌گویان، از مجموع ۹۰ خانوار پرسش شونده روستاهای کوهستانی، ۸۸/۶ درصد مرد و ۱۱/۴ درصد زن بودند، درحالی‌که در روستاهای دشتی این وضعیت تا حدی متعادل‌تر شده و سهم زنان پاسخ‌گو ۴۳/۱ درصد بوده است. با بررسی وضعیت سواد نیز مشخص شد ناحیه دشتی با ۴۰/۶ درصد با سواد دیپلم‌به-بالا، از وضعیت بهتری نسبت به ناحیه کوهستانی با ۱۶/۵ درصد برخوردار است.

جدول ۲- تعداد خانوارهای نمونه به تفکیک روستاهای نمونه در دو ناحیه

| ردیف | ناحیه کوهستانی | | | ناحیه دشتی | | | دهستان (میان ولایت) | تعداد خانوار نمونه |
|------|--------------------|------------------------|--------------|--------------------|------------------------|--------------|---------------------|--------------------|
| | تعداد خانوار نمونه | تعداد دریافت کننده وام | تعداد خانوار | تعداد خانوار نمونه | تعداد دریافت کننده وام | تعداد خانوار | | |
| ۱ | ۱۶ | ۲۲ | ۲۹۱ | ۲۰ | ۴۰ | ۹۱۸ | ساغروان | ۱ |
| ۲ | ۱۷ | ۲۴ | ۳۱۴ | ۱۲ | ۳۲ | ۵۶۲ | ناظریه | ۲ |
| ۳ | ۷ | ۱۱ | ۱۲۹ | ۱۱ | ۲۶ | ۴۷۹ | کورده | ۳ |
| ۴ | ۷ | ۹ | ۱۳۵ | ۹ | ۱۶ | ۴۱۱ | عسگریه | ۴ |
| ۵ | ۵ | ۵ | ۹۱ | ۸ | ۱۹ | ۳۸۱ | پایین ده | ۵ |
| ۶ | ۴ | ۵ | ۶۹ | ۸ | ۲۱ | ۳۵۳ | خرابه امین | ۶ |
| ۷ | ۱ | ۱ | ۱۵ | ۷ | ۱۱ | ۳۲۵ | چهچه | ۷ |
| ۸ | ۴ | ۴ | ۶۷ | ۶ | ۸ | ۲۶۵ | روح آباد | ۸ |
| ۹ | ۲ | ۲ | ۲۹ | ۵ | ۵ | ۲۱۰ | رضویه / قلعه- سیاه | ۹ |
| ۱۰ | ۸ | ۹ | ۱۳۹ | ۵ | ۵ | ۲۱۰ | سنگ سیاه | ۱۰ |
| ۱۱ | ۷ | ۱۰ | ۱۲۱ | ۴ | ۴ | ۱۸۴ | بازمرگان | ۱۱ |
| ۱۲ | ۴ | ۴ | ۷۵ | ۴ | ۴ | ۱۶۸ | جلالی | ۱۲ |
| ۱۳ | ۱ | ۱ | ۱۰ | ۴ | ۴ | ۱۶۱ | ریحان | ۱۳ |
| ۱۴ | ۸ | ۱۱ | ۱۴۹ | ۳ | ۳ | ۱۲۸ | جوادیه | ۱۴ |
| ۱۵ | ۱ | ۱ | ۱۹ | ۳ | ۳ | ۱۲۳ | گناباد | ۱۵ |
| ۱۶ | - | - | - | ۳ | ۳ | ۱۲۲ | عبدل آباد | ۱۶ |
| ۱۷ | - | - | - | ۳ | ۳ | ۱۱۱ | دوین | ۱۷ |
| ۱۸ | - | - | - | ۲ | ۲ | ۱۰۹ | سروآباد | ۱۸ |
| ۱۹ | - | - | - | ۲ | ۲ | ۱۰۷ | چنار سوخته | ۱۹ |
| | ۹۰ | ۱۱۹ | ۱۶۵۳ | ۱۱۸ | ۲۲۱ | ۵۳۲۷ | جمع | |

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵

در رابطه با وضعیت اشتغال مشخص شد که در ناحیه کوهستانی سهم زراعت، باغداری و دامداری بیش از سایر مشاغل است، به طوری که ۵۶٫۳ درصد پاسخ‌گویان در بخش زراعت و باغداری اشتغال دارند که در ناحیه دشتی این درصد کاهش یافته و مشاغل غیر کشاورزی (فعالیت‌های خدماتی) اهمیت می‌یابد.

مقایسه منابع و امکانات روستاییان در دو ناحیه

وضعیت نظام بهره‌برداری و مالکیت

ساختار غالب مالکیت هر دو ناحیه، از نوع ملکی است. ولی در ناحیه کوهستانی تعداد بهره‌برداران دارای زمین

بیش از دو برابر ناحیه دشتی است. به طوری که در ناحیه کوهستانی تعداد بهره‌برداران دارای زمین $81/6$ درصد ولی در ناحیه دشتی $45/4$ درصد است. ولی میانگین زمین به ازای هر بهره‌بردار معکوس است. به عبارتی میانگین مساحت زمین خانوارها در ناحیه دشتی بیشتر از ناحیه کوهستانی است. البته باید عنوان کرد که در ناحیه کوهستانی اراضی بیشتر دیم است. همچنین پراکنش اراضی ناحیه کوهستانی بیشتر است و در مجموع در ناحیه کوهستانی نظام خرده-مالکی غالب است.

مقایسه انواع محصولات زراعی و باغی

بین دو ناحیه از نظر شیوه کشت و عملکرد تولید در واحد سطح تفاوت محسوسی وجود دارد. به طوری که در ناحیه دشتی $57/5$ درصد سطح زیرکشت به صورت دیم و $42/5$ درصد به شیوه آبی کشت می‌شود در حالی که در ناحیه کوهستانی $52/4$ درصد کشت دیم است. همچنین مقایسه عملکرد در واحد سطح بین دو ناحیه نشان می‌دهد که عملکرد تولید در ناحیه دشتی $1/44$ برابر ناحیه کوهستانی است؛ که شاید به خاطر آبی بودن نوع کشت در نواحی دشتی باشد.

مقایسه نحوه تأمین آب زراعی و شیوه آبیاری

بی‌شک فعالیت در بخش کشاورزی مستلزم دسترسی به آب کافی است که از منابع مختلفی می‌تواند تأمین شود. در ناحیه کوهستانی، بیش‌ترین منبع تأمین آب کشاورزی، از چشمه‌ها و رودخانه است، در حالی که در ناحیه دشتی عمدتاً از چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق استفاده می‌شود.

وضعیت مکانیزاسیون در دو ناحیه

در ناحیه کوهستانی، ماشین‌آلات کشاورزی نظیر تراکتور و تیلر با $53/3$ درصد بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص دادند، در حالی که در ناحیه دشتی به دلیل تنوع مشاغل مختلف، وسایل نقلیه سواری و موتور با $74/3$ درصد بیش‌ترین سهم را دارا می‌باشند.

مقایسه وضعیت دامپروری

طبعاً دامپروری نقش مهم‌تری را در اقتصاد خانوارهای ناحیه کوهستانی ایفا می‌کند. به طوری که تعداد دام خانوارهای موردبررسی در این ناحیه 5640 واحد دامی ذکر شده است، در حالی که در ناحیه دشتی این رقم به کمتر از نصف کاهش یافته و به 2130 واحد می‌رسد.

فعالیت‌های صنعتی

در بررسی‌های انجام شده در منطقه مورد مطالعه مشخص شد که فعالیت صنعتی کلاً در دو ناحیه ضعیف است، به طوری که در ناحیه دشتی فقط $6/3$ درصد خانوارها به این فعالیت اشتغال دارند و این نسبت در ناحیه کوهستانی بسیار کاهش یافته و به 1 درصد می‌رسد.

فعالیت‌های خدمات

در سال‌های اخیر به علت توسعه شبکه‌های ارتباطی و غیره فعالیت‌های خدماتی مختلفی در روستاها به وجود آمد که روستاییان از منابع درآمدی آن بهره‌مند می‌شوند. با بررسی انجام شده در منطقه مورد مطالعه مشخص شد که سهم ناحیه دشتی نسبت به ناحیه کوهستانی از این فعالیت بیشتر است. به طوری که ۶۶ درصد پاسخ‌گویان ساکن ناحیه دشتی در این بخش فعالیت داشته‌اند که این درصد در ناحیه کوهستانی به کمتر از نصف می‌رسد.

منبع تأمین وام و نوع سرمایه‌گذاری

نتایج بررسی‌ها در این قسمت نشان می‌دهد که نقش بخش رسمی در تأمین اعتبارات مورد نیاز در دو ناحیه نسبت به بخش غیررسمی بیشتر است. به طوری که از کل ۵۵۸۹ میلیون ریال حجم تسهیلات دریافتی در ناحیه دشتی، حدود ۹۳ درصد از بخش رسمی تأمین شده است. این در حالی است که در ناحیه کوهستانی با اندکی تفاوت از کل حجم تسهیلات دریافتی (۴۸۷۰ میلیون ریال) حدود ۹۶/۶ درصد از بخش رسمی است.

نحوه توزیع وام در بخش‌های مختلف اقتصادی

نتایج تحقیق حاکی از آن است که تنوع سهم وام‌های دریافتی در بخش‌های مختلف اقتصادی در ناحیه دشتی نسبت به کوهستانی بیشتر است. بطوریکه در ناحیه فوق بیشترین سهم وام‌های دریافتی با ۹۵ درصد به بخش کشاورزی اختصاص یافته در حالی که در ناحیه دشتی این نسبت ۷۳ درصد است و مابقی به بخش‌های خدمات (۲۰ درصد) و صنعت (۶ درصد) اختصاص یافته است. جدول زیر نتایج حاصله را نشان می‌دهد.

جدول ۴- توزیع وام‌های دریافتی در بخش‌های مختلف اقتصادی (ارقام به میلیون ریال)

| جمع حجم نمونه | خدمات | | صنعت | | دامداری | | زراعت و باغداری | | | بیج | | | |
|---------------------|--------------------------|---------------|--------------------------|---------------|--------------------------|---------------|--------------------------|---------------|----------------|------|----|----|----------|
| | متوسط مبلغ دریافتی | تعداد درصد | متوسط مبلغ دریافتی | تعداد درصد | متوسط مبلغ دریافتی | تعداد درصد | متوسط مبلغ دریافتی | تعداد درصد | تعداد افراد | | | | |
| ۹۰ | ۶۰/۹ | ۵ | ۵ | ۰ | ۰ | ۰ | ۵۲/۹ | ۴۷ | ۴۲ | ۵۴/۶ | ۴۸ | ۴۳ | کوهستانی |
| ۱۱۸ | ۳۴/۲ | ۲۰ | ۳۴ | ۲۶/۹۸ | ۶ | ۷ | ۶۰/۹ | ۴۴ | ۵۲ | ۴۰/۳ | ۳۰ | ۳۶ | دشتی |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

مقایسه میزان اثربخشی وام در بخش‌های مختلف

در این قسمت به منظور بررسی میزان اثربخشی اعتبارات خرد در بین لایه‌های اجتماعی از مؤلفه‌های، برطرف کردن نیاز مورد نظر، افزایش درآمد، افزایش راندمان تولید، ایجاد شغل جدید، تأثیر وام در عدم فروش اموال منقول و غیرمنقول و نسبت سرمایه‌گذاری وام در زمینه هدف مورد نظر استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵- بررسی و مقایسه اثربخشی وام در شاخص‌های مختلف در دو ناحیه به تفکیک طبقات اجتماعی

| گروه های شاخص اثربخشی وام | سطح فقر | درصد پاسخ‌گویی افراد در ناحیه دشتی | | | | درصد پاسخ‌گویی افراد در ناحیه کوهستانی | | | |
|---------------------------------------|---------|------------------------------------|-------|-------|---------|--|-------|------|---------|
| | | خیلی زیاد | متوسط | ضعیف | خیلی کم | خیلی زیاد | متوسط | ضعیف | خیلی کم |
| مرتفع کردن نیازها | ثروتمند | ۱۱/۵ | ۳/۷ | ۴۲/۳ | ۱۱/۵ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | متوسط | ۷/۳ | ۳۹ | ۴۱/۵ | ۷/۳ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فقیر | ۲/۳ | ۳۴/۹ | ۴۸/۹ | ۱۳/۹ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| افزایش درآمد | ثروتمند | ۷/۸ | ۳۴/۶ | ۳۴/۶ | ۲۳ | ۳/۴ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | متوسط | ۴/۹ | ۲۶/۵ | ۲۶/۵ | ۱۹/۶ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فقیر | ۲/۴ | ۲۰/۹ | ۳۲/۵ | ۴۴/۲ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| راندمان تولید (افزایش عملکرد تولید) | ثروتمند | ۷/۸ | ۳۴/۶ | ۳۴/۶ | ۲۳ | ۳/۴ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | متوسط | ۴/۹ | ۳۶/۶ | ۳۹ | ۱۷ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فقیر | ۲/۳ | ۲۰/۹ | ۳۲/۶ | ۴۱/۹ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| عدم فروش اموال | ثروتمند | ۱۵/۴ | ۵۰ | ۲۶/۹ | ۷/۷ | ۳/۴ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | متوسط | ۱۲/۱ | ۴۴ | ۳۴/۱ | ۹/۸ | ۲/۵ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فقیر | ۴/۷ | ۴۶/۵ | ۳۲/۶ | ۱۶/۲ | ۳/۷ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ایجاد شغل | ثروتمند | ۱۰/۵ | ۳۴/۲ | ۴۲/۳۳ | ۷/۵ | ۹/۵ | ۴/۵ | ۰ | ۰ |
| | متوسط | ۵/۷ | ۴۲/۵ | ۳۰/۶ | ۱۴/۲ | ۶/۷ | ۲/۷ | ۰ | ۰ |
| | فقیر | ۲/۳ | ۲۵/۱ | ۳۲/۵ | ۴۱/۹ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| سرمایه‌گذاری وام در زمینه هدف موردنظر | ثروتمند | ۱۱/۵ | ۳/۷ | ۵۲/۳ | ۱۱/۵ | ۶/۳ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | متوسط | ۷/۳ | ۴۹ | ۳۱/۵ | ۷/۳ | ۴/۵ | ۰ | ۰ | ۰ |
| | فقیر | ۲/۳ | ۳۳/۹ | ۴۸/۷ | ۱۳/۹ | ۳/۳ | ۰ | ۰ | ۰ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

یافته‌های استنباطی

مقایسه درجه فقر در میان روستایان دو ناحیه

به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤال اول پژوهش مبنی بر این که «با توجه به توزیع نابرابر امکانات و منابع تولیدی، درجه فقر در بین اقشار مختلف روستایی نواحی دشتی و کوهستانی چگونه است؟» از متغیرهای وضع فعالیت و درآمد در بخش زراعت، باغداری، دام‌پروری، وضعیت مکانیزاسیون، فعالیت‌های خدماتی و وضعیت مسکن (تعداد اتاق، زیربنا، ارزش ریالی) استفاده شده است و با توجه به ماهیت متغیرها، آزمون T مستقل به‌کار گرفته شده است؛ و درنهایت با استمداد از آمار توصیفی به بررسی و مقایسه درآمد اقشار مختلف (ثروتمند، متوسط و فقیر)، نتایج کلی به تفکیک دو ناحیه در جدول ۶ آمده است:

در بررسی و مقایسه درآمد ماهیانه بین لایه‌های مختلف اجتماعی می‌توان پذیرفت که در درون هر ناحیه میان سهم هر طبقه و متوسط درآمد آن‌ها تفاوت محسوسی وجود دارد. به‌عنوان مثال متوسط درآمد ثروتمندان به فقرا در ناحیه دشتی حدود ۱۱/۱ برابر درحالی که در ناحیه کوهستانی حدود ۴/۲ برابر است. مقایسه سهم این گروه‌ها در بین دو ناحیه بیانگر سهم بیشتر فقرا در ناحیه دشتی است، اما میان متوسط درآمد لایه بالایی در بین دو ناحیه تفاوت‌ها چشمگیر است. در مجموع توزیع درآمد میان لایه‌های مختلف ناحیه کوهستانی متعادل‌تر از ناحیه دشتی است. لذا در کل می‌توان گفت بین دو ناحیه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۶- نتایج کلی مقایسه منابع درآمدی و امکانات دو ناحیه در بخش‌های اقتصادی با استفاده از آزمون T نمونه مقایسه بین میانگین دو گروه مستقل

| بخش | متغیر | ناحیه | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | سطح معنی‌داری | درجه آزادی | مقدار T |
|-----------------------------|--------------------------|-------|-----------|------------|---------------------|----------------------|------------|------------|
| درآمد ناخالص سالانه کشاورزی | زراعت | A | ۸۳ | ۲۴۵۳۵۵۵۶ | ۲۴۵۰۳۱۴/۹ | ۰/۹۸ ^{ns} | ۱۳۲ | ۱/۷۱۵ |
| | | B | ۵۵ | ۷۲۱۷۶۲۲۶ | ۲۴۸۶۲۶۴۷۳ | | | |
| | باغداری | A | ۱۶ | ۱۵۰۰۰۰۰۰ | ۳/۰۵۵ | ۰/۰۰۰ ^{***} | ۲ | -۴۲۵۲۰۹۹,۳ |
| | | B | ۴ | ۳۶۷ | . | | | |
| | ارزش ریالی ماشین‌آلات | A | ۸۱ | ۱۱۳۷۵۴۲۳۷ | ۱۹۵۹۵۶۳۳۶ | ۰/۲۳ ^{ns} | ۱۰۷ | -۱/۱۹ |
| | | B | ۵۳ | ۷۵۵۴۸۰۰۰ | ۱۲۴۴۳۴۳۶۵ | | | |
| | دامداری | A | ۷۳ | ۲۹۲۱۹۱۷۸ | ۲۷۹۲۰۱۴۷ | ۰/۱۱۲ ^{ns} | ۱۰۰ | ۱/۶۰۶ |
| | | B | ۳۱ | ۵۰۹۴۴۸۲۸ | ۱۰۷۵۴۱۷۱۵ | | | |
| | فعالیت‌های جانبی کشاورزی | A | ۱۰ | ۴۸۸۸۸۸/۸۹ | ۴۸۵۲۶۹/۱۱ | ۰/۰۰۱ ^{***} | ۱۴ | ۱/۷۱۲ |
| | | B | ۸ | ۷۴۲۱۴۲۸/۵۷ | ۱۲۲۶۳۶۲۷ | | | |
| درآمد اداری (کارمندی) | A | ۱۲ | ۳۵۵۰۰۰۰۰ | ۱۰۳۰۸۸۶۶ | ۳۶۰ ^{ns} | ۴۶ | -۰/۹۲۴ | |
| | B | ۳۶ | ۴۵۰۲۷۷۷/۸ | ۳۴۹۸۱۲۰۸ | | | | |
| حمل و نقل | A | ۲ | ۱۲۵۰۰۰۰۰ | ۱۰۶۰۶۶۰۲ | ۰/۰۱۹ [*] | ۱۵ | ۲/۶۲۷ | |
| | B | ۱۶ | ۲۱۰۶۶۶۶۲۴ | ۲۱۰۶۶۶۶۶۷ | | | | |
| تجاری | A | ۱۳ | ۱۳۵۰۰۰۰۰۰ | ۵۰۸۳۳۹۵/۴ | ۰/۶۵۹ ^{ns} | ۲۴ | -۰/۴۴۷ | |
| | B | ۱۴ | ۱۱۲۵۰۰۰۰ | ۴۲۹۱۵۷۱/۱ | | | | |
| تعداد اتاق | A | ۹۸ | ۳/۸ | ۰/۸۷۸ | ۰/۰۱۵ [*] | ۲۰۰ | -۲/۴۷۵ | |
| | B | ۱۰۶ | ۳/۴۵ | ۱/۱۱۴ | | | | |
| مسکن | مساحت زیربنا | A | ۹۸ | ۹۸/۹۸ | ۲۶۵۷۷ | ۰/۰۳۷ [*] | ۲۰۶ | -۲/۰۹۸ |
| | | B | ۱۰۰ | ۸۹/۷۴ | ۳۴/۰۳۹ | | | |
| | ارزش ریالی مسکن | A | ۹۸ | ۶۷۷۰۴۰۸۱/۶ | ۳۹۵۹۳۰۸۷ | ۰/۰۰۱ ^{***} | ۲۰۶ | ۳/۴۶ |
| | | B | ۱۱۰ | ۱۷۲۴۵۴۵۴۵ | ۲۹۷۳۱۵۷۷۹ | | | |

***- معنی‌داری با سطح اطمینان ۰/۰۱ - * - معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵ A: ناحیه کوهستانی B: ناحیه دشتی ns: عدم معنی‌داری

میزان اثربخشی اعتبارات خرد میان روستاییان دو ناحیه و کل جامعه آماری

برای بررسی سؤال دوم تحقیق یعنی «میزان اثربخشی اعتبارات خرد برای اقشار فقیر و مرفه روستایی در نواحی دشتی و کوهستانی تا چه حدی بوده است؟» فرآیند آزمون با توجه به گویه‌های؛ مرتفع کردن نیازها، افزایش راندمان تولید، تأثیرگذاری وام در عدم فروش اموال منقول و غیرمنقول، نسبت سرمایه‌گذاری جدید و ایجاد شغل انجام شده است؛ و برای پاسخ‌گویی به این سؤال، از آزمون کروسکال والیس و آمار توصیفی استفاده شده است که نتایج در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- نتایج کلی مقایسه اثربخشی وام بین طبقات اجتماعی در نواحی کوهستانی و دشتی

| گویه | مرتفع کردن نیازها | | افزایش درآمد | | افزایش عملکرد تولید | | عدم نیاز به فروش اموال | |
|---------------|-------------------|-------|--------------|--------|---------------------|--------|------------------------|-------|
| | کوهستانی | دشتی | کوهستانی | دشتی | کوهستانی | دشتی | کوهستانی | دشتی |
| مقدار آماره | ۳/۰۲۲ | ۱/۱۲۱ | ۱/۷۵ | ۶/۳۰۷ | ۲/۱۳ | ۶/۹۶۳ | ۴/۳۶۱ | ۲/۵۲۳ |
| درجه آزادی | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| سطح معنی داری | ۰/۲۳۲ | ۰/۵۷۴ | ۰/۵۱۲ | ۰/۰۴۴* | ۰/۵۶۰ | ۰/۰۳۹* | ۰/۱۱۴ | ۰/۲۷۵ |

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵ * - معنی داری در سطح ۰/۰۵

برای تحلیل و مقایسه بین طبقات اجتماعی در نواحی کوهستانی و دشتی از نظر «ایجاد شغل» و «نسبت سهم وام دریافتی در سرمایه‌گذاری موردنظر» از آمار توصیفی استفاده شده است و نتایج تحلیل اثربخشی وام در ایجاد شغل جدید تفاوت معنی داری بین طبقات اجتماعی در هر ناحیه وجود ندارد. به نحوی که در ناحیه کوهستانی اقشار ثروتمند، متوسط و فقیر به ترتیب ۳۴/۲، ۴۲/۳ و ۲۵/۱ درصد اظهار داشتند که با وام گرفته شده شغل جدید ایجاد شده است، که این نسبت‌ها در ناحیه دشتی هم به ترتیب برابر ۲۹/۳، ۳۶/۴ و ۳۱/۲ درصد ذکر شده است. لذا می‌توان گفت در رابطه با ایجاد شغل جدید، تفاوت معنی داری بین دو ناحیه وجود ندارد.

آخرین متغیر برای تحلیل اثربخشی، نتایج تحلیل داده‌های توصیفی نشان‌دهنده آن است که بین طبقات اجتماعی ناحیه دشتی تفاوت معنی داری دیده نمی‌شود. به طوری که ۵۲/۳ درصد ثروتمندان اظهار داشته‌اند وام دریافتی تنها ۵۰ درصد نیاز موردنظرشان را تأمین کرده است که این ارقام برای اقشار متوسط و فقیر نیز به ترتیب برابر ۶۴/۵ و ۵۹/۶ درصد است. در حالی که در ناحیه کوهستانی تفاوت معنی داری را بین طبقات اجتماعی شاهد هستیم؛ چرا که نسبت سهم بیش از ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری وام در بین اقشار ثروتمند، متوسط و فقیر به ترتیب ۷۸/۹، ۵۶/۴ و ۴۰/۳ درصد قید شده است.

با توجه به نتایج کلی حاصل از آزمون متغیرهای این شاخص، می‌توان گفت میزان اثربخشی اعتبارات خرد برای اقشار فقیر و مرفه روستایی در نواحی دشتی و کوهستانی تفاوت معنی داری را نشان نمی‌دهد.

میزان اثربخشی اعتبارات خرد میان روستاییان در کل جامعه آماری

در ادامه برای سنجش میزان تفاوت موجود در دو دوره زمانی قبل و بعد از استفاده از اعتبارات خرد روستایی در هر دو جامعه نمونه، در محورهای موردنظر تحقیق، از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون استفاده شده است. نتیجه این تحلیل آماری نشان می‌دهد که پرداخت اعتبارات خرد منجر به ایجاد تغییرات قابل توجهی در کلیه محورها شده است و این تغییرات از دیدگاه استفاده‌کنندگان کاملاً معنی دار است (جدول ۸).

تحلیل میانگین عددی حاصل از محاسبه مؤلفه‌های تأثیرگذار در اثرگذاری اعتبارات خرد در مناطق روستایی حاصله از داده‌های پرسشنامه‌ای در بین سرپرستان خانوار در روستاهای نمونه در دوره بعد از استفاده از اعتبارات خرد بر اساس آزمون T تک‌نمونه‌ای مبین بالا بودن مقادیر در کلیه محورهای موردنظر تحقیق است که نشان‌دهنده اثرات

مناسب اعتبارات بر توسعه اقتصادی مناطق روستایی مورد مطالعه دارد.

جدول ۸- آزمون معنی‌داری تفاوت دوره قبل و بعد از استفاده از اعتبارات خرد

| مؤلفه | میانگین | انحراف معیار | آماره Z | سطح معنی‌داری |
|----------------------------------|------------|--------------|---------|---------------|
| مرتفع کردن نیازها | قبل ۱/۹۴۲۷ | ۰/۳۲۶۳۵ | -۹/۱۱۲ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد ۴/۳۵۴۵ | ۰/۲۵۳۶۵ | | |
| افزایش درآمد | قبل ۲/۲۰۳۰ | ۰/۳۶۶۳۹ | -۹/۱۲۶ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد ۴/۲۰۰۰ | ۰/۳۱۱۸۵ | | |
| افزایش راندمان تولید | قبل ۲/۱۵۶۱ | ۰/۲۶۹۲۹ | -۹/۱۰۶ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد ۴/۲۴۸۴ | ۰/۳۰۱۲۴ | | |
| تأثیرگذاری وام در عدم فروش اموال | قبل ۲/۰۹۳۹ | ۰/۳۱۸۹۹ | -۹/۱۲۰ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد ۴/۱۲۰۲ | ۰/۲۷۵۱۲ | | |
| نسبت سرمایه‌گذاری جدید | قبل ۲/۳۷۹۸ | ۰/۳۲۶۳۵ | -۹/۱۱۸ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد ۳/۹۷۴۷ | ۰/۲۵۳۶۵ | | |
| ایجاد شغل | قبل ۲/۳۶۸ | ۰/۲۶۵۷۸ | -۹/۲۱۸ | ۰/۰۰۰ |
| | بعد ۴/۴۵۶ | ۰/۲۸۹۴ | | |

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

همان طوری که جدول ۹ نشان می‌دهد با احتساب دامنه طیفی میانگین مؤلفه‌ها که بین ۱ تا ۵ بر اساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای تمامی مؤلفه‌ها به‌غیر از نسبت سرمایه‌گذاری جدید، بالاتر از شرایط مطلوب (۴) ارزیابی شده است که بیانگر اثربخشی اعتبارات خرد در نواحی روستایی است. به عبارتی، این شاخص‌ها از اعتبارات خرد تأثیر مثبت پذیرفته، وضعیت آن‌ها تغییر نموده است. البته لازم به‌ذکر است که مؤلفه‌های مرتفع‌کردن نیازها و نیز افزایش راندمان تولید با بیش‌ترین فاصله تفاوت از حد مطلوب، اثرگذاری بیشتر اعتبارات خرد را بیان می‌کند. این تفاوت در سطح آلفا ۰/۰۱ معنی‌دار و تفاوت آن‌ها از مطلوبیت عددی نیز عمدتاً به شکل مثبت ارزیابی و برآورد شده است.

تحلیل نا پارامتری هم‌بستگی میان مؤلفه‌های مورد بررسی در جدول ۱۰ ارائه شده است. نتایج حاصله از این تحلیل نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین مؤلفه‌های تأثیرگذار توسعه اقتصادی نقاط روستایی است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان اذعان نمود که با افزایش مقادیر هر یک از مؤلفه‌ها، سایر ابعاد نیز افزایش معنی‌داری را نشان می‌دهند.

مشکلات و چالش‌های روستاییان برای دریافت اعتبارات خرد در نواحی دشتی و کوهستانی

در این مرحله از پژوهش به بررسی سؤال سوم تحقیق یعنی «روستاییان برای تأمین اعتبارات خرد در ناحیه دشتی و کوهستانی با چه چالش‌ها و مشکلاتی مواجه‌اند و میزان رضایت‌مندی آنان چقدر است؟» پرداخته شده است.

جدول ۹- معنی داری تفاوت از حد مطلوب مؤلفه‌های اثرگذاری اعتبارات خرد بعد از استفاده از اعتبارات

| مطلوبیت عددی ظرفیت مورد آزمون = ξ | | | | | | |
|---------------------------------------|---------|------------------|---------------|----------------------|----------------------|------------------|
| مؤلفه‌ها | میانگین | آماره آزمون T | درجه آزادی | سطح معنی- داری | تفاوت از حد مطلوب | فاصله اطمینان ۹۵ |
| | | | | | | درصد |
| | | | | | | پایین تر |
| مرتفع کردن نیازها | ۴/۲۵۴۵ | ۱۴/۶۶۰ | ۲۰۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۵۴۵۵ | ۰/۳۰۶۶ |
| افزایش درآمد | ۴/۲۰۰۰ | ۶/۷۲۶ | ۲۰۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۰۰۰۰ | ۰/۲۵۸۹ |
| افزایش راندمان تولید | ۴/۲۴۸۴ | ۸/۶۴۸ | ۲۰۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۴۸۳۸ | ۰/۳۰۵۳ |
| تأثیرگذاری وام در عدم فروش اموال | ۴/۱۲۰۲ | ۴/۵۸۲ | ۲۰۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۲۰۲۰ | ۰/۱۹۱۵ |
| ایجاد شغل | ۴/۰۳۱۴ | ۴/۱۰۳ | ۲۰۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۱۰۱۱ | ۰/۰۵۳ |
| نسبت سرمایه‌گذاری جدید | ۳/۹۷۴۷ | -۰/۸۷۴ | ۲۰۸ | ۰/۳۸۴ | -۰/۲۵۲۵ | -۰/۸۲۵ |

جدول ۱۰- ماتریس هم‌بستگی ظرفیت‌های موجود در سطح خانوارهای نمونه (اسپیرمن)

| ابعاد ظرفیت‌ها | مرتفع- کردن نیازها | افزایش درآمد | افزایش راندمان تولید | تأثیرگذاری وام در عدم فروش اموال | ایجاد شغل | نسبت سرمایه‌گذاری جدید |
|----------------------------------|--------------------------|-----------------|----------------------------|--|--------------|------------------------------|
| | | | | | | |
| مرتفع کردن نیازها | ۱/۰۰۰ | ۰/۲۷۴** | ۰/۲۱۶* | ۰/۳۷۴** | ۰/۲۸۰** | ۰/۲۷۴** |
| افزایش درآمد | ۰/۲۷۴** | ۱/۰۰۰ | -۰/۱۸۵ | ۰/۳۲۰** | ۰/۳۶۵** | ۰/۲۲۰** |
| افزایش راندمان تولید | ۰/۲۱۶* | ۰/۱۸۵ | ۱/۰۰۰ | ۰/۲۱۷* | ۰/۴۱۳** | ۰/۳۱۷** |
| تأثیرگذاری وام در عدم فروش اموال | ۰/۳۷۴** | ۰/۳۲۰** | ۰/۲۱۷* | ۱/۰۰۰ | ۰/۱۹۰* | ۰/۱۳۷* |
| ایجاد شغل | ۰/۲۸۰** | ۰/۳۶۵** | ۰/۴۱۳* | ۰/۱۹۰* | ۱/۰۰۰ | ۰/۳۱۲** |
| نسبت سرمایه‌گذاری جدید | ۰/۲۷۴** | ۰/۲۲۰** | ۰/۳۱۷** | ۰/۱۳۷* | ۰/۳۱۲** | ۱/۰۰۰ |
| تعداد | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۳۷ | ۰ |

** __ معنی داری هم‌بستگی در سطح ۰/۰۱. * - معنی داری هم‌بستگی در سطح ۰/۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

برای این منظور از متغیرهایی که در جدول ۱۱ آمده استفاده شد تا مشکلات و میزان رضایت روستاییان را از دریافت اعتبارات خرد در دو ناحیه نشان دهد. نتایج آزمون مان - وایتنی در دو ناحیه گویای این مطلب است که

مشکلات و چالش‌های روستاییان برای تأمین اعتبارات خرد در نواحی دشتی و کوهستانی تفاوت معنی‌داری داشته و لذا درجه رضایت‌مندی آن‌ها نیز متفاوت است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که بررسی مشکلات بروکراسی - اداری بین دو ناحیه حاکی از آن است این موانع در ناحیه کوهستانی با توجه به دوری از شهر و دسترسی سخت‌تر به خدمات بانکی و سازمان‌های مربوطه بارزتر است. همچنین در بررسی علت هزینه نکردن وام‌ها در زمینه هدف موردنظر، با توجه به دوری خانوارهای ناحیه کوهستانی از چشم دستگاه‌های اجرایی، عمدتاً علت راه، در عدم نظارت دولت و اختیاری بودن وام دخیل می‌دانستند، درحالی‌که در ناحیه دشتی، به کسب سود بیشتر در سایر فعالیت‌های اقتصادی اشاره کردند. همچنین نزدیکی به شهر و ارتباطات و آشنایی به روند انجام کار را مؤثر می‌دانستند در نتیجه میزان رضایت‌مندی افراد در ناحیه دشتی در اکثر مؤلفه‌ها بیشتر بوده است.

جدول ۱۱- نتایج کلی مقایسه مشکلات مربوط به بروکراسی بین دو ناحیه با استفاده از آزمون مان-وایتنی

| متغیر | Mann-Whitney | Wilcoxon W | Z | سطح معنی‌داری | تأیید رد |
|-----------------|--------------|------------|--------|---------------|----------|
| عدم اطلاع‌رسانی | ۳۳۴۵/۰۰۰ | ۸۰۹۸/۰۰۰ | -۴/۸۰۸ | ۰/۰۰۰** | * |
| موانع اداری | ۳۰۴۷/۵۰۰ | ۷۸۰۰/۵۰۰ | -۵/۳۷ | ۰/۰۰۰** | * |
| موانع بانکی | ۳۰۱۵/۰۰۰ | ۷۸۶۸/۰۰۰ | -۵/۲۸ | ۰/۰۰۰** | * |

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵ ***- معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ * - معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵

جدول ۱۲- نتایج کلی مقایسه علت هزینه نکردن وام در زمینه درخواستی بین دو ناحیه با استفاده از آزمون مان-وایتنی

| متغیر | Mann-Whitney | Wilcoxon W | Z | سطح معناداری | تأیید رد |
|------------------------|--------------|------------|--------|---------------------|----------|
| عدم نظارت دولت | ۶/۰۰۰ | ۲۷/۰۰۰ | -۲/۵۷ | ۰/۰۱** | * |
| سود زیاد در زمینه جدید | ۲۲/۰۰۰ | ۷۷/۰۰۰ | -۰/۸۸۸ | ۰/۳۷۴ ^{ns} | * |
| اختیاری بودن وام | ۸/۰۰۰ | ۲۹/۰۰۰ | -۲/۳۳۸ | ۰/۰۱۹** | * |
| کم بودن مبلغ وام | ۲۵/۶۰۰ | ۴۷/۵۰۰ | -۰/۱۸۲ | ۰/۸۵۴ ^{ns} | * |

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵ ***- معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ * - معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تطبیقی نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی در دو دهستان از شهرستان مشهد به صورت نمونه و با تأکید بر ویژگی‌های مکانی - فضایی، پرداخته شده است. در مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های قبلی باید عنوان کرد که تاکنون پژوهشی به صورت تطبیقی اثرات اعتبارات خرد را در توسعه روستایی بررسی نکرده است ولی از پژوهش‌های انجام‌شده نتایج پژوهش‌های دامینیک جنتل و سروت (۲۰۰۲)، مونتگومری و ویز (۲۰۰۵)، فن، جیستوشن و متاکناوات (۲۰۰۳)، محمود هاشمی تبار و همکاران (۱۳۸۴)، رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۵)، بختیاری (۱۳۸۵)، حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) و مهدی طالب و زهره نجفی‌اصل (۱۳۸۶)، در

رابطه با اثرات اعتبارات خرد به تأثیر مثبت آن در کاهش فقر، ایجاد فرصت‌های اشتغال، رونق کشاورزی (بهبود شیوه‌های آبیاری و افزایش سطح زیر کشت و راندمان تولید و غیره)، بهبود زیرساخت‌ها، افزایش پس‌انداز، توانمندسازی افراد خصوصاً افراد کم‌درآمد و زنان خانه‌دار و در نهایت توسعه اقتصادی نواحی روستایی اشاره کرده‌اند؛ که نتایج پژوهش حاضر نیز تمام موارد را تأیید کرده و در کنار آن به تفاوت اثر بخشی اعتبارات، مشکلات دریافت اعتبارات و میزان رضایت‌مندی متفاوت افراد در دو ناحیه کوهستانی و دشتی و کل جامعه نمونه اشاره کرده است.

جدول ۱۳- نتایج کلی رضایت‌مندی بین دو ناحیه با استفاده از آزمون مان-وایتنی

| متغیر | Mann-Whitney | Wilcoxon W | Z | سطح معناداری | تائید | رد |
|---------------------|--------------|------------|--------|---------------------|-------|----|
| عملکرد کارشناسان | ۳۹۵۰/۰۰۰ | ۹۸۳۶/۰۰۰ | -۳/۴۶ | ۰/۰۰۱** | * | |
| عملکرد کارکنان بانک | ۳۸۲۶/۰۰۰ | ۹۶۰۴/۰۰۰ | -۳/۴۴ | ۰/۰۰۱** | * | |
| نحوه دریافت وام | ۴۷۲۵/۵۰۰ | ۱۰۸۳۰/۵۰۰ | -۱/۶۲۴ | ۰/۱۰۴ ^{NS} | * | |
| نحوه بازپرداخت | ۳۷۰۱/۵۰۰ | ۸۴۵۴/۵۰۰ | -۳/۸۷۲ | ۰/۰۰۰** | * | |
| قوانین و مقررات | ۵۰۳۴/۰۰۰ | ۱۱۱۳۹/۰۰۰ | -۰/۶۴۵ | ۰/۵۱۹ ^{NS} | * | |

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۵. NS: عدم معنی‌داری. ***- معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱. *- معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵.

با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص گردید که هر مکانی با توجه به شرایط خاص خود دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است. به‌طوری‌که این گوناگونی در دو ناحیه از نظر فرهنگی - اجتماعی، نوع و ماهیت فعالیت، وضعیت اقتصادی و فیزیکی قابل توجه است. به‌طوری‌که میزان سواد و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در بین خانوارهای پرسش‌شونده در ناحیه دشتی نسبت به ناحیه کوهستانی بالاتر است که به دلیل دسترسی راحت‌تر و نزدیک‌تر به امکانات در کانون‌های شهری است. همچنین بیش از ۸۰ درصد روستاییان ناحیه کوهستانی در بخش کشاورزی فعالیت دارند درحالی‌که در ناحیه دشتی برتری بر فعالیت‌های خدماتی است. شرایط متفاوت فیزیکی زمین و ناهمواری‌ها در دو ناحیه بر پراکنش زمین زراعی و نوع محصولات، فعالیت دامداری اثرگذار است. به‌طوری‌که در ناحیه کوهستانی، وسعت زمین کوچک، تعداد قطعات بیشتر و در نتیجه کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی کوچک از قبیل تیلر مرسوم‌تر است ولی موارد فوق در ناحیه دشتی معکوس است. به دلیل تنوع بیشتر مشاغل ناحیه دشتی و متفاوت بودن میزان درآمدهای آن‌ها در مقایسه با ناحیه کوهستانی، فاصله طبقاتی اقشار اجتماعی نیز به نسبت بیشتر است به‌گونه‌ای که درآمد طبقه ثروتمند ناحیه دشتی نسبت به قشر فقیر آن حدود ۱۱ برابر به‌دست‌آمده، درحالی‌که این نسبت در ناحیه کوهستانی حدود ۴ برابر است، زیرا اکثریت ساکنین کوهستانی دارای درآمد پایینی هستند و در نتیجه اختلاف طبقات کمتر است.

از نظر منابع تأمین وام روستاییان و اثربخشی آن در بین طبقات اجتماعی دو ناحیه مشخص شد که نقش بخش رسمی در تأمین اعتبارات خرد موردنیاز در دو ناحیه نسبت به بخش غیررسمی غالب است. صرف‌نظر از تفاوت‌های ناحیه‌ای، عوامل متعددی در این زمینه دخیل هستند که مهم‌ترین آن‌ها، اعطای تسهیلات زیاد از سوی دولت و اعتقادات مذهبی مردم مبنی بر حرام بودن ربا و دریافت سود بیشتر بخش غیررسمی است.

از نظر مبالغ وام در بین اقشار مختلف نشان داد که سهم قشر فقیر در دو ناحیه کمتر بوده است ولی توزیع منابع در ناحیه دشتی عادلانه‌تر انجام گرفته است؛ اما از سویی دیگر اثربخشی اعتبارات خرد در بین طبقات اجتماعی تفاوت معنی‌داری ندارد؛ و در بررسی مشکلات و موانع دریافت وام و علت عدم هزینه نکردن در هدف اولیه و سنجش میزان رضایت‌مندی وام‌گیرندگان، مشخص شد میزان رضایت‌مندی افراد در ناحیه دشتی در اکثر مؤلفه‌ها بیشتر بوده و تفاوت معنی‌داری بین دو ناحیه وجود دارد.

هم‌چنین برای سنجش اثربخش اعتبارات در کل جامعه نمونه، نتایج نشان می‌دهد که از دیدگاه پاسخ‌گویان، تفاوت معنی‌داری در دو دوره زمانی قبل و بعد از استفاده از اعتبارات خرد روستایی در کلیه محورهای موردنظر تحقیق که عمدتاً بیانگر مؤلفه‌های اقتصادی تأثیرگذار در توسعه روستایی هستند، وجود دارد. به عبارت دیگر، نتایج حاصل از یافته‌های آزمون فریدمن در دو دوره تحلیل نشان‌دهنده تفاوت معنی‌داری در بین میانگین رتبه‌ای و عددی از دیدگاه جامعه نمونه، به نفع دوره بعد و بهبود شاخص‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به تفاوت معنی‌دار در دو دوره زمانی قبل و بعد، از تحلیل میانگین عددی حاصل از محاسبه مؤلفه‌های پژوهش که از داده‌های پرسشنامه‌ای در بین سرپرستان خانوار در روستاهای نمونه در دوره بعد از استفاده از اعتبارات به دست آمده است برای تعیین مطلوبیت عددی با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای اقدام گردید که مبین بالابودن مقادیر در کلیه محورهای موردنظر تحقیق از میزان متوسط است که نشان‌دهنده اثرگذاری نسبتاً مناسب اعتبارات خرد در سطح روستاهای منطقه مورد مطالعه است. در نهایت نتیجه تحلیل نا پارامتری هم‌بستگی میان مؤلفه‌های اقتصادی نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم بین مؤلفه‌های تأثیرگذار اقتصادی در توسعه نواحی روستایی است.

به عنوان نتیجه نهایی می‌توان گفت که بررسی دقیق مسئله بر این نکته تأکید دارد که اعتبارات خرد اگرچه، بر برخی از شاخص‌های توسعه روستایی تأثیر داشته است، ولی نتوانسته زمینه پایداری یکپارچه روستایی را به دنبال داشته باشد. اعتبارات خرد اگرچه رشد اقتصادی را از طریق افزایش درآمد ناخالص واحدهای بهره‌بردار روستایی دنبال می‌کند. ولی ضروری است تا ابعاد دیگر توسعه و شاخص‌های آن را مورد توجه و تأکید قرار دهد تا از این طریق بستر پایداری روستاها فراهم شود. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به حفاظت محیط زیست، تقویت سرمایه اجتماعی (از طریق حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ارتقای انسجام، امنیت و مشارکت اجتماعی) و افزایش کارایی و بهره‌وری اقتصادی اشاره نمود.

این وضعیت می‌تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد. در این بین، رویکرد حاکم بر اجرای سیاست اعطای اعتبارات خرد کشاورزی از اهمیت بالایی برخوردار است. بررسی تطبیقی اصول حاکم بر نحوه اعطای اعتبارات نشان می‌دهد که در محدوده مورد مطالعه، تفکر سنتی (متأثر از دیدگاه رشد اقتصادی) غالب بوده است. به عبارت دیگر رشد و توسعه تک‌ساختی محدوده مورد مطالعه متأثر اعتبارات خرد، متأثر از تفکر سنتی حاکم بر نقش آن (اعتبارت) در ایجاد تحول مثبت در نواحی روستایی است؛ و تأکید بر سوداگری سرمایه، منابع مالی غیربومی و عمدتاً دولتی (بانک کشاورزی)، مدیریت متمرکز (نقش‌پذیری دولت (سازمان جهاد کشاورزی) و روابط رسمی و قانونی (نظام بوروکراتیک رسمی) مهم‌ترین اصول این تفکر سنتی هستند که در نهایت سبب شده‌اند تا پایداری یک‌پارچه توسعه روستایی تحقق پیدا نکند.

مهم‌ترین پیشنهادها، در زمینه کاهش ناراضی‌های وام‌گیرندگان در ناحیه مورد مطالعه به شرح ذیل است:

کاهش میزان کارمزد وام دریافتی با توجه به وضعیت اقتصادی مردم ناحیه. طولانی‌مدت شدن بازپرداخت وام‌های اعطایی. افزایش مبلغ وام‌های دریافتی در زمینه خرید نهاده‌های کشاورزی با توجه به بالا بودن هزینه. اختیار تام روستاییان در انتخاب نوع دام خریداری شده. سهولت شرایط ضمانت‌های بانکی. ایجاد شعبات کوچک بانکی در مناطق روستایی (مراکز حوزه و مجموعه). نظارت بیشتر دولت بر مصرف وام‌ها. توسعه و بهبود زیرساخت‌ها و امکانات در روستاهای کوهستانی.

منابع

- استاندارداری خراسان رضوی. ۱۳۹۴. آخرین تقسیمات کشوری شهرستان مشهد. مشهد: استانداری خراسان رضوی.
- بختیاری، ص. ۱۳۸۵. مفاهیم، تعارف و سابقه اعتبارات خرد با نگاهی به عملکرد بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۰-۱۹ آذر ماه، تهران.
- بخشوده، م. و سلامی، ح.ا. ۱۳۸۵. نقش بانک کشاورزی در کاهش فقر با تأکید بر اعتبارات خرد. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۰-۱۹ آذر ماه، تهران.
- بهزادی، ص. ۱۳۸۸. ارزیابی تأثیر اعتبارات خرد بانکی بر توسعه کشاورزی (نمونه موردی: دهستان محمدیه اردکان استان یزد). پایان نامه کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- تقی نتاج، غ. ح.، بحری ثالث، ج. و کمرئی، ج. ۱۳۹۲، نقش و جایگاه بانک در نظام تأمین مالی خرد در راستای برنامه فقر زدایی کشور و تحقق ماموریت‌های اجتماعی محوله. نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس توسعه مدیریت پولی و بانکی، ۸ و ۹ بهمن ماه.
- حسن‌زاده، ع.، ازوجی، ع. ا. و قوی دل، ص. ۱۳۸۵. بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۱ (۶): ۴۵-۶۸.
- رکن‌الدین افشاری، ع. ا.، عینالی، ج. و سجاسی قیداری، ح. ا. ۱۳۸۵. ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی مطالعه موردی تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴(۵۶)، ۴۵-۷۶.
- زاهدی مازندرانی، م. ج. ۱۳۸۴. توان پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرایند توسعه. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۳(۴۹): ۲۷-۵۶.

صامتی، م. و کرمی، ع. ر. ۱۳۸۳. بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور. مجله تحقیقات اقتصادی، ۳۹ (۴): ۲۳۴-۲۱۳.

طالب، م. و نجفی اصل، ز. ۱۳۸۶. پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصاد زنان سرپرست خانوار، نگاهی به نتایج طرح زینب کبری (س). فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰ (۳): ۲۶-۱.

عرب مازار، ع. و جمشیدی، م. ت. ۱۳۸۵. نقش بانک کشاورزی در تأمین مالی اعتبارات خرد کشاورزی مطالعه موردی زیر بخش کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۰-۱۹ آذر ماه، تهران.

عمادی، م. ح. ۱۳۸۵. نقش اعتبارات خرد در فرایند تسریع توسعه روستایی، مقایسه دو دیدگاه. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۰-۱۹ آذر ماه، تهران.

مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. آمارنامه سرشماری سال ۱۳۹۰ استان خراسان رضوی. قابل دستیابی در: www.amar.org.ir. آخرین دسترسی: ۲ بهمن ۱۳۹۴.

مرکز آمار ایران. ۱۳۹۴. سالنامه آماری استان خراسان رضوی، شهرستان مشهد. قابل دستیابی در: www.amar.org.ir. آخرین دسترسی: ۲ بهمن ۱۳۹۴.

نظری، ع. و عادل، ج. ۱۳۹۰. مقایسه میزان اثر بخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آزادشهر. جغرافیا، ۹ (۳۱): ۲۱۴-۱۹۱.

نوری نائینی، س. ۱۳۸۵. اهداف هزاره، اعتبارات خرد و توسعه روستایی در ایران. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۲۰-۱۹ آذر ماه، تهران.

هاشمی تبار، م.، کرباسی، ع. ر. و اکبری، ا. ۱۳۸۴. بررسی ارتباط وام با کارایی فنی زارعان در استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه روستا و توسعه، ۸ (۱): ۵۴-۲۹.

Attfield, R. and Wilkins, B. 1992. International justice and the third world: studies in the Philosophy of Development. Psychology Press.

Axinn, G. H. and Axinn, N. W. 1997. Collaboration in Rural Development, a Practioner Hand Book.

Balazs, K. and Podmaniczky, L. 2001. rural enterprise planning: an applied approach to address new challenges, Szent Istvan University, Hungary, (www.ktg.gau.hu/~podma/birtok/).

- Cernea, M. M. 1991. Putting people first: sociological variables in rural development. Putting people first: sociological variables in rural development. (Ed. 2), New York, Oxford University Press.
- Dobie, P. 2005. Models for national strategies: building capacity for sustainable development. *Development Policy Journal*, 1: 1-18.
- Dominique, G. and Jean.Michel, S. 2002. Micro-Finance: Small amounts, big effects?, *Revue Tiers Monde* n 172-October-December 2002, p:1-5
- Douglas, P. 2003. Financial services for the rural poor, helping to improve Donor effectiveness in microfinance, Donor Brief, No. 15, October 2003, CGAP Donor Information Resource Centre (DIRECT)
- ESCAP. 1996. Showing the way: Methodologies for successful rural poverty alleviation projects, Bangkok.
- ESCAP. 2000. The empowerment of the rural poor through decentralization in poverty alleviation actions, Economic and Social Commission for Asia and the Pacific – Fifty-sixth session of the commission, PAI/April – June 2000
- ESCAP. 2008. Urban regions: ecology and planning beyond the city. Cambridge University Press.
- Fan, S., Jitsuchon, S. and Methakunnavut, N. 2003. Impacts of Public Investment on Poverty Reduction in Thailand. Washington, DC, *International Food Policy Research Institute*.
- FAO/GTZ. 1998a. Financial institutions, (www.fao.org)
- Fukuda-Parr, S., Birdsall, N., & Sachs, J. 2003. Millennium Development Goals: A Compact among Nations to End Human Poverty. Human Development Report 2003, Retrieved June 2, 2003, from www.undp.org.
- Ghate, P. 2000. Linking formal finance with micro and informal finance. *The Bangladesh Development Studies*, 26(2/3), 201-215.
- IFAD. 2003. The rural development potential of IFAD, s credit projects, 2003, Internet (www.ifad.org).
- Khandker, S. R. 1998. Fighting poverty with microcredit: experience in Bangladesh. Oxford University Press.
- Robinson, M. 2001a. Comments on “Innovative Products and Adaptations for Rural Finance”, by Juan Buchanan; Paving the Way Forward for Rural Finance an International Conference on Best Practices.
- Roth, J. D. 1997. The limits of micro credit as a rural development intervention. University of Manchester.

- Saunders, A. and Cornett, M. M. 2003. Financial institutions management: A risk management approach. Irwin/McGraw-Hill.
- Schreiner, M. and Colombet, H. H. 2001. Microfinance, Regulation, and Uncollateralized Loans to Small Producers in Argentina. Microcredit and Development Policy, Nova Science Publishers: Huntington, NY, ISBN, 1590330013, 137152.
- Seibel, H. D. 2001. Rural Finance for the Poor: From Unsustainable Projects to Sustainable Institutions (No. 2001, 5). Working paper/University of Cologne, Development Research Center.
- Sörlin, S., Abrahamsson, K. V., Andersson, M., Eckerberg, K., Nordlund, C. and Sundström, T. 1997. The road towards sustainability. *A Historical Perspective*. Umea University.
- Umana, A. 2002. Generating capacity for sustainable development: Lessons and challenges, choices, June 2002, environmentally sustainable development group leader, UNDP, (www.undp.org)
- UNDP. 1998. Microfinance institutions proposal: Executive summary, Port Moresby.
- World Bank. 2001. Reaching the rural poor, the rural development strategy of World Bank (www.worldbank.org).

The role of microcredits in the development of mountainous and plain rural areas (A case study of the villages of Kardeh and Miyan-velayat in the Mashhad County)

Mahdi Javanshiri¹, Khadijeh Bozarjomehri^{2*}, Omolbanin Harati³ and Hamideh Mahmoudi⁴

Submitted: 9 December, 2016

Accepted: 2 May, 2017

Abstract

Not so long ago, the main obstacle to the development of undeveloped countries was thought to be the lack of capital. However, today it is believed that capital is a necessary condition for development, but not the sufficient one. Therefore, one of the strategies to achieve economic development is to make use of an efficient financial system to circulate stagnant capitals in the community. Accordingly, micro-credits were introduced in developing countries over the past 30 years, aiming to provide low-income groups with financial services. These funds are used to provide villagers with loans, particularly those who are active in production. The availability of liquidity helps villagers meet their financial needs and start a production process and get agricultural products for plantings. The study also aimed to examine the role of microcredits in rural development, with emphasis on the impact of geographical factors in attracting such funds in mountainous and plain rural area of the Mashhad County. This study is an applied research carried out in a descriptive-analytical method. Based on Cochran's formula, 207 rural households were selected. The ratio of households in each area was also calculated by Cochran's formula to be a total of 90 households from mountainous areas, and 118 households from plain areas that were selected. The required data were collected from library sources and the survey (questionnaires) among the households that received the funds. The results showed that the effectiveness of microcredits is not significantly different in mountainous and plain areas. However, there is a significant difference between the two areas considering the difficulties and satisfaction level of villagers in getting the loans, such that villagers in plain areas were more satisfied than those in mountainous areas.

Keywords: microcredits, rural development, agricultural development.

1 - Ph.D. Student of Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

2 - Associate professor, Department of Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

3 - MA in Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

4 - Ph.D. Candidate in Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

(*-Corresponding author E-mail: azar1334@gmail.com)